



زوجین باید قبل

از ازدواج به علایق

یکدیگر توجه کرد و

نباید منتظر تغییر

رفتار بعد از ازدواج شد.

بعد از ازدواج و انتخاب

شریک زندگی، نمی توان

به تغییر طرف مقابل

پرداخت، بلکه باید به

فکر درک متقابل در

زندگی بود



مراقب انتخاب هایتان باشید

سارا شقاقی، روان شناس در این باره می گوید:

معمولا در بیشتر زندگی های مشترکی که به جدایی یا طلاق عاطفی منجر می شود، انتخاب نادرست و عدم آموزش های پیش از ازدواج نقش مهمی را ایفا می کند. به نظر من انتخاب همسر تنها از روی احساس و در نظر نگرفتن معیارهای عاقلانه به مرور زمان باعث فروکش شدن احساسات و در نهایت دلزدگی و جدایی می شود. اصولا انتخاب با معیار عقل و احساس در کنار هم باعث دوام زندگی و موفقیت در ازدواج می شود. زنان و مردان باید این را بدانند که شناخت خصوصیات و وضعیت فرهنگی خانواده طرف مقابل، تفاهم و تشابه اعتقاد و خواسته، تناسب سنی و تحصیلی در انتخاب همسر، نقش اساسی را ایفا می کنند. ازدواج هایی که تنها با احساسات و هیجانات لحظه ای صورت می گیرند، در ادامه لذت و شیرینی خود را از دست می دهد و زن و مرد تحمل گذشتن از مشکلات را نخواهند داشت. برای همین ممکن است آن زندگی خیلی زود از هم فروپاشد. این موضوعات باعث تکراری و خسته کننده بودن زندگی مشترک می شود. وقتی احساسات در زندگی مشترک عادی شود، آن وقت است که تفاوت های فاحش، خود را نشان می دهند و زن و مرد را از زندگی مشترک دلزده می کند. درواقع یکی از مهم ترین عوامل طلاق در جامعه تکراری و خسته کننده بودن زندگی برای زن و شوهر است. بنابراین زن و مرد باید در انتخاب هایشان کمی بیشتر دقت کنند تا در آینده دچار مشکل نشوند. در این پرونده هم همین اتفاق رخ داده و مرد از روز اول به همسرش نگفته که در خواسته اش مصمم است. گذشت او در ابتدای زندگی باعث شده در ادامه هم نتواند روی آن پافشاری کند. از سوی دیگر باید قبل از ازدواج به علایق یکدیگر توجه کرد و نباید منتظر تغییر رفتار بعد از ازدواج شد. بعد از ازدواج و انتخاب شریک زندگی، نمی توان به تغییر طرف مقابل پرداخت، بلکه باید به فکر درک متقابل در زندگی بود. زن جوان علاقه ای به ادامه تحصیل ندارد و همسرش به جای درک او اقدام به تحقیرش کرده بود که همین رفتار باعث سردی بیشتر او شد.



شرط عجیب تحصیلی برای ادامه زندگی

هرچه اصرار می کردم بی فایده بود. او درس نمی خواند و در نهایت نیز گفت دیگر حوصله درس خواندن ندارد. در این مدت هر طور بود تمام تلاشم را کردم تا بتوانم او را برای ادامه تحصیل راضی کنم، حتی گفتم تمام هزینه اش را پرداخت می کنم، برای او دفترچه های ثبت نام دانشگاه گرفتم، ولی فایده ای نداشت. همسر من درس بخوان نیست. از طرفی من هم دیگر نمی توانم این وضعیت را تحمل کنم. برای همین تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده بیايم تا با دادخواست طلاق به همسر ثابت کنم جدی هستم. نوگل باید بداند اگر می خواهد در کنار من زندگی کند، باید ادامه تحصیل بدهد و مدرک دکتری بگیرد. در غیر این صورت زندگی کردن در کنار او برایم غیرممکن است. در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من تا آنجا که لازم بود درس را خواندم. شوهرم در این دو سال مرتب تحقیرم کرد. اگر می خواستم درس بخوانم هم با رفتارهای او از این کار پشیمان شدم. چرا باید خودم را در این سن و سال به دردسر بیندازم تا شوهرم خجالت نکشد.

او اگر به من و زندگی مان علاقه داشت، نباید به این مساله توجه می کرد. اگر به خوبی مرا تشویق به درس خواندن می کرد، من هم قبول می کردم. ولی او فقط مرا تحقیر کرد. بارها گفت از من خجالت می کشد. جوری به من می گفت درس بخوان که انگار مجبورم. در این مدت من همسر بدی برای او نبودم، ولی او فقط به درس خواندن توجه کرد و تمام خوبی هایم را نادیده گرفت. برای همین من هم تصمیم گرفتم هر طور راحت هستم زندگی کنم و حالا که او مرا نمی خواهد من هم او را نمی خواهم.

در پایان نیز قاضی این زوج را به مرکز مشاوره خانواده معرفی کرد و از آنها خواست بیشتر درباره طلاق و جدایی فکر کنند.

مرد تحصیل کرده وقتی دید که اصرارهایش برای ادامه تحصیل همسرش بی فایده است، راهی دادگاه خانواده تهران شد و درخواست طلاق داد. این مرد که خودش مدرک دکتری

داشت، از همسرش هم خواست دکترا بگیرد. ولی وقتی با مخالفت او روبه رو شد، جدایی را انتخاب کرد. این مرد در رابطه با ماجرای زندگی اش به قاضی دادگاه خانواده چنین گفت: دو سال پیش با نوگل آشنا شدم. آن زمان نوگل به تازگی به شرکت ما آمده و مشغول به کار شده بود. از همان روزهای اول عاشقش شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. وقتی با نوگل صحبت کردم، متوجه شدم که او مدرک فوق دیپلم دارد و بعد از آن دیگر ادامه تحصیل نداده است. از آنجا که مدرک تحصیلی همیشه یکی از معیارهای اصلی من برای ازدواج بود، به همین دلیل دچار تردید شدم. اما آن قدر به نوگل علاقه مند بودم که تصمیم گرفتم چشمم را روی این معیار ببندم و با نوگل ازدواج کنم. از همان روز اول هم از او خواستم درسش را ادامه دهد.

ولی درست پس از شروع زندگی مشترک بود که تازه متوجه شدم چه اشتباهی کرده ام. من به خاطر مدرک تحصیلی همسرم در زندگی دچار مشکلات زیادی شدم. هربار کسی از من می پرسد تحصیلات همسرت چیست یا مجبورم دروغ بگویم یا این که با گفتن حقیقت کلی خجالت بکشم. دست خودم نیست. این مساله برایم مهم است و از نداشتن تحصیلات بالای همسرم خجالت می کشم.

برای همین از نوگل خواستم ادامه تحصیل دهد و تا مقطع دکتری درس بخواند. اولش قبول کرد، اما پشت گوش انداخت.

سیما فراهانی

تپش

حقوق دختر و پسر در دوران نامزدی

بیشتر بدانیم

نکته درباره دوران نامزدی اشاره می شود که مورد پرسش شما خوانندگان تپش هم بوده است. بحث پرداخت بخشی یا تمام مهریه در دوره نامزدی باعث نمی شود دختری یا پسر ملزم به ازدواج شوند و باز هم می توانند نامزدی را به هم بزنند و مهریه باید به مرد برگردانده شود. از سوی دیگر در این دوران دختر و پسر برای یکدیگر کادوهایی می خرند که در صورت به هم خوردن نامزدی کادوهایی که باقی است می توان پس گرفت مانند طلا، ساعت و سکه. اما بعضی کادوها مانند عطر مصرفی هستند که نمی توان آن را مطالبه کرد. البته اگر کادوهای ماندگار بر اثر حوادث طبیعی یا عدم تقصیر کادو گیرنده از بین برود، قابل مطالبه نیست. به عکس و نامه های این دوره هم می توان از نظر اخلاقی مانند کادوهای ماندگار نگاه کرد و از طرف مقابل خواست آن را برگرداند. در پایان باید توجه داشت، با این که دوران نامزدی علقه زوجیت ایجاد نمی کند، اما اگر برهم زدن آن بدون دلیل باعث خسارت مادی یا معنوی به طرف مقابل شود، او می تواند جبران این خسارت را از دادگاه مطالبه کند.

هر هفته در این ستون به تشریح موضوعات حقوقی به زبان ساده پرداخته می شود تا بیش از پیش با حقوق قانونی خود آشنا شویم. موضوعات این ستون با توجه به پرسش های حقوقی شما انتخاب شده است. این هفته به بررسی ابعاد حقوقی نامزدی پرداختیم که در ادامه می خوانید.

مرحله نامزدی در حقوق به مرحله قبل از جاری شدن صیغه عقد گفته می شود که دختر و پسر در حال شناخت بهتر یکدیگر هستند. گاهی در این مرحله صیغه محرمیت هم بین طرفین خوانده می شود. به همین دلیل به آن وعده ازدواج هم گفته می شود. با این تعریف باید توجه داشت در این ایام به دختر و پسر زن و شوهر گفته نمی شود و آثار حقوقی زوجین مانند تمکین، مهریه، نفقه و... بر آن حاکم نیست. یعنی هر کدام از دو طرف هر وقت بخواهند می توانند به آن پایان دهند و هیچ الزامی برای ادامه آن از نظر حقوقی ندارند. در ادامه به چند

محمد غمخوار

کارشناس ارشد حقوق